

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Explaining the Cultural Quarter Model in the Historic Fabrics to Provide
the Economic Development and Presence of Creative Industries
(a Case Study of Laleh-zar St., Tehran)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین مدل محله فرهنگی در بافت‌های تاریخی برای توسعه اقتصاد و
حضور صنایع خلاق
(مورد پژوهشی: خیابان لاله‌زار، تهران)

مرجان خان محمدی^{۱*}، محمود قلعه‌نوئی^۲، محمدسعید ایزدی^۳

۱. استادیار گروه معماری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه بوعلی همدان، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۸

تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: با توجه به اینکه محله‌های تاریخی به عنوان موجودیتی منسجم، تلاش‌های فرهنگ بومی را برای پاسخگویی به نیازهای گذشته به بهترین شکل نشان می‌دهند، انطباق‌پذیری آنها با نیازهای زمان حال و شناخت فرصت‌های موجود در آنها، به عنوان ظرف پذیرنده عملکردهای فرهنگی و مولد اقتصاد، امری در خور توجه است. مهم‌ترین مسئله این پژوهش بهره‌گیری از روش‌های خلاق برای انطباق‌پذیری بافت‌های تاریخی با اقتصاد و شرایط جدید، از طریق تمرکز بر سرمایه‌های فرهنگی، به عنوان ابزاری برای احیای محله‌های تاریخی، و ایجاد فعالیت‌های جدید اقتصادی با هدف جایگزینی کاربری‌هایی است که رو به انحطاط هستند یا از منطقه محو شده‌اند. استفاده از سیاست‌های نوآورانه و راهبردهای مبتنی بر خلاقیت برای حضور بافت‌ها و محله‌های تاریخی کشورمان در عرصه‌های رقابت، با هدف توسعه و رشد اقتصادی فرهنگی و تجدید حیات محله، رویکردی است که فقدان آن، هم در حوزه نظری و هم در حوزه کاربردی بافت‌های تاریخی، قابل توجه است.

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش ایجاد شرایط تبدیل محله‌های تاریخی به مولد اقتصاد و فراهم آوردن امکان حضور آنها در عرصه صنایع خلاق است که از طریق اتخاذ سیاستی خلاق و سنجش میزان قابلیت‌های موجود در بافت‌های تاریخی، و تبیین شاخص‌های چندگانه محله فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش: این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی انجام شده است و یافته‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و مشاهدات میدانی استخراج شده‌اند. نهایتاً، با استفاده از یافته‌های پژوهش، تحقق‌پذیری یک محله فرهنگی در نمونه لاله‌زار با استفاده از روش کمی معادلات ساختاری ارزیابی و در نتیجه مدلی از محله فرهنگی تاریخی، براساس اولویت اقدامات تبیین شده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش راهکارها و اقدامات لازم را براساس ترتیب اولویت در مدل محله فرهنگی تاریخی، پیشنهاد می‌کند و اهمیت این روابط را به لحاظ تجربی نیز به اثبات می‌رساند.
واژگان کلیدی: بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ، صنایع خلاق، محله فرهنگی، توسعه اقتصادی، بافت‌های تاریخی، لاله‌زار.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۸۱۶۱۳۴۶۳، m-khanmohamadi@iau-arak.ac.ir

بیان مسئله

مهم‌ترین ضرورت طرح مسئله این پژوهش عبارت است از استفاده از فرهنگ و بهره‌گیری از روش‌های نو و خلاق برای انطباق‌پذیری بافت‌های تاریخی و ایجاد شرایط اقتصادی جدید، که این خود می‌تواند با تمرکز بر سرمایه‌های منحصر به فرد، ابزاری باشد در خدمت احیای محله‌های تاریخی و ایجاد فعالیت‌های جدید اقتصادی به منظور جایگزینی کاربری‌هایی که یا رو به انحطاط هستند، یا از منطقه محو شده‌اند. استفاده از سیاست‌های نوآورانه و راهبردهای مبتنی بر خلاقیت برای حضور بافت‌ها و محله‌های تاریخی کشورمان در عرصه‌های رقابت و برتری رویکردی ضروری است که فقدان آن هم در حوزه نظری و هم کاربردی بافت‌های تاریخی قابل توجه است. از بُعد نظری، این پژوهش مجالی برای بازخوانی و واکاوی رویکردی نو و قابل تعمیم در مواجهه با محله‌های تاریخی را فراهم می‌آورد، و از بعد کاربردی نیز به تبیین نوعی سیاست اجرایی خلاق و کارآمد در حفاظت و تجدید حیات، از طریق ابزاری فرهنگی و خلاق و توجه به آن در برنامه‌ها و اقدامات بازآفرینی در ایران، اشاره می‌کند. این مقاله، با هدف تجدید حیات فرهنگی محله‌های تاریخی به موازات رشد اقتصادی آن‌ها، با استفاده از شیوه‌های نوین و خلاق حضور فرهنگ در بازآفرینی شهری، به توصیف محتوای نظری مفهوم محله‌های فرهنگی می‌پردازد و ظرفیت‌های یک محله تاریخی (لاله‌زار) را بررسی می‌کند و به چگونگی تبیین محله فرهنگی نائل می‌شود. در همین راستا، پژوهش حاضر اهمیت کاربست چارچوب تجدید حیات محله لاله‌زار از طریق توسعه صنعت خلاق فیلم و سینما و شکل‌گیری محله‌ای فرهنگی-سینمایی را (که پیوندهای معنایی نیز با حوزه نمایش دارد) به‌عنوان راهبردی خلاق در بازآفرینی شهری معرفی می‌کند؛ این پژوهش همچنین سیاست‌گذاری برای تبیین محله‌های فرهنگی را، با تأکید بر توسعه برنامه‌های فرهنگی، مورد بررسی و شناخت قرار می‌دهد و زمینه و بستری مساعد برای توسعه فرایندها و تجارب خلاق در بافت‌های تاریخی می‌آفریند.

پیشینه تحقیق

بازآفرینی فرهنگ‌مبنا^۱ با طرح مفهیمی پایه‌ای و نوین مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه اقتصادی و آنچه صنایع خلاق نامیده می‌شود، به این نکته اساسی اشاره دارد که می‌توان در بافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرآیند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگ و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست. بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ رویکردی است که می‌تواند به ایجاد فضاهایی

بینجامد که در آنجا فرهنگ تولید، عرضه و مصرف می‌شود (Evans, 2009; Harvey, 2005; Roberts, 2000). با افزایش میزان بحث بر سر رابطه بین فرهنگ و فرآیندهای توسعه محلی، و نقش فرهنگ در ایجاد فرصت‌های جدید در مناطق صنعتی و تجاری (Evans, 2009) و همچنین پژوهش در حوزه‌های اقتصادی، انسانی، جغرافیای مکانی و فرهنگی، به تدریج آگاهی از تأثیرگذاری فرهنگ از راه‌های مختلف بر توسعه محلی افزایش یافته است. تا جایی که فرهنگ، به‌عنوان ابزاری برای احیای مراکز شهری و صنعتی و متروک، و قراردادن بهینه شهرها در بازار جهانی پس از صنعتی‌شدن، و به‌عنوان راهبردی در فرآیند بازآفرینی شهری و جادویی برای رسیدن به موقعیتی جدید در رقابت عرصه جهانی، شناخته می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد (Pratt, 2010). در همین حوزه، بسلی و همکاران در پژوهشی رابطه بین سرمایه‌گذاری‌های خلاق فرهنگی در مناطق مرکزی شهر، به‌ویژه تقویت و افزایش ظرفیت منابع و فعالیت‌های فرهنگی و تأثیر این سرمایه‌گذاری بر روی کیفیت محیطی زندگی ساکنان مناطق، را مورد توجه قرار داده‌اند (Blessi, Tremblay, Sandri & Pilati, 2012). نتایج پژوهش رفیعیان و همکاران تحت عنوان «گردشگری شهری به‌مثابه راهبرد توسعه خلاق در بافت‌های فرسوده (نمونه موردی: محله امامزاده یحیی، تهران)» نشان داد که اگر ورود به بافت فرسوده از طریق پهنه گردشگری صورت گیرد، احتمالاً بازدهی برنامه‌ریزی و اجرا مناسب خواهد بود و از هدرروی منابع جلوگیری می‌شود و همچنین ارتقای بافت، در مراحل بعدی، نظام‌مند خواهد بود (رفیعیان، بمانیان و رفیعیان، ۱۳۹۰). صحراییان و موحد (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل و شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت‌های فرسوده با تأکید بر گردشگری (مطالعه موردی: محله فهادان شهر یزد)» به ظرفیت‌های نهفته در بافت‌های فرسوده به‌عنوان پهنه‌های توسعه خلاق اشاره می‌کنند. صنایع فرهنگی و تولید و مصرف فرهنگ برای تنوع‌بخشیدن به اقتصاد محلی و بازآفرینی جوامع محلی مؤثر شناخته شده است (Evans, 2009؛ لطفی، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش تدوین سیاستی خلاق در مواجهه با بافت‌های تاریخی و ایجاد اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌های فرهنگی است، اتخاذ سیاست‌هایی چون تجدید حیات محلی از طریق پیش‌بینی اقامتگاه‌ها برای تمرکز هنرمندان (Zukin, 1998)، بازسازی و نوسازی ساختمان‌های تاریخی و استفاده از آن‌ها به‌عنوان فضایی برای بیان هنری و طراحی فضاهای شهری مانند سینما یا موزه در محلات تاریخی (Bianchini & Parkinson, 1993) و تأکید بر گردشگری در راستای توسعه

جذب می‌کند و به‌عنوان ایجادکننده تنوع در شهرها باعث منحصربه‌فرد شدن ویژگی‌های مکانی می‌شود (Pratt, 2010). توجه به نقش خلاقیت در فرهنگ، استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به‌عنوان منابع توسعه و همچنین توجه به گذران اوقات فراغت مردم، مهم‌ترین وجوه اقتصاد مبتنی بر فرهنگ هستند (Ghafele & Santagata, 2006).

در رویکرد بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ، مداخلات فرهنگی بیش از آنکه محصول ثانوی رشد اقتصادی باشند، نیروی محرکه آن‌اند؛ این مداخلات به منظور ترمیم و ارتقای کیفیت زندگی شهری، به بهبود و توسعه ویژگی‌های منحصربه‌فرد یک مکان و مردم آن می‌پردازد (Roberts & Sykes, 2005). فرهنگ از طریق رویکرد بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ، در محله‌های فرهنگی، زیرساخت‌های فرهنگی (موزه‌ها، و پارک‌های موضوعی بازمانده، و غیره) و رویدادهای فرهنگی (جشنواره‌ها، پایتخت فرهنگی اروپا، و غیره) به کار گرفته شده است (Zukin, 1998). بازآفرینی از طریق ترویج گردشگری، تشویق شرکت‌های کسب‌وکار، تأمین سرمایه‌گذاری به سمت داخل و احیای اقتصاد محلی از دیگر اقدامات این رویکرد است (Garcia, 2004).

• صنایع خلاق

به منظور رقابت بین‌المللی و رفاه شهروندان، فعالیت‌های فرهنگی خلاق و صنایع مبتنی بر دانش و نوآوری، به‌عنوان نوآورانه‌ترین روش استفاده از عامل فرهنگ در بازآفرینی شهری به‌طور فزاینده‌ای در حال شکل‌گرفتن است (DCMS, 2004). صنایع خلاق آن دسته از صنایع‌اند که بر روی خلاقیت فردی، مهارت و استعداد بالقوه متمرکزند، و هدف از آن‌ها ایجاد ثروت و اشتغال از طریق توسعه تبلیغات، معماری، هنر و بازار عتیقه، طراحی صنایع دستی، طراحی مد، فیلم، نرم‌افزار، اوقات فراغت تعاملی، بازی‌های رایانه‌ای، موسیقی، هنرهای نمایشی، چاپ و نشر و رادیو و تلویزیون است. این اصطلاح به پتانسیل اجتماعی و اقتصادی فعالیت‌هایی اشاره دارد که با خلاقیت، دانش و اطلاعات تجارت، دولت‌ها و بخش‌های خلاق در سراسر جهان را به هم پیوند زده و به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان مولد اشتغال، ثروت و تعامل فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. در قلب صنایع خلاق، تقاطع هنر، فرهنگ، تجارت و تکنولوژی نهفته است.

• محله فرهنگی^۲

بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا، برای اقدامات خود بستری کالبدی و فضایی نیاز دارد که از آن با عنوان «محدوده‌ها یا محله‌های فرهنگی» نام می‌برند. امروزه از محله‌های فرهنگی به‌عنوان ابزار اولیه بازآفرینی شهری و مدلی از توسعه اقتصادی استفاده می‌کنند (Won Bae, 2011).

خلاق در بافت‌های فرسوده (صحرایان و موحد، ۱۳۹۶) می‌توانند به‌عنوان تلاش‌هایی برای بازآفرینی شهری مبتنی بر تولید و مصرف فرهنگ معرفی و بررسی شوند.

این پژوهش به منظور تبیین مدلی برای ایجاد محله فرهنگی از دل محله‌های تاریخی به مطالعه پژوهش‌های زیر پرداخته است: گالیگان در مقاله خود سیاست‌های شهری برآمده از ایده شهر خلاق در بازآفرینی فرهنگ‌مبنای شهری را شهر-جشنواره، شهر-فرهنگ، شهر-معماری و محله-فرهنگ معرفی کرده است (Galligan, 2008). ساکو و همکاران در مقاله‌ای صنایع فرهنگی را به‌عنوان مولد و محرک اقتصاد و محله‌های فرهنگی را به‌عنوان ابزاری برای بازآفرینی و احیای محله‌های روبه‌زوال معرفی می‌کنند همچنین (Sacco, Frilli, Blessi & Nuccio, 2013a). بلسی و همکاران رابطه بین سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در مناطق شهری، به‌ویژه تقویت و افزایش ظرفیت منابع و فعالیت‌های فرهنگی، و تأثیر این سرمایه‌گذاری بر روی کیفیت محیطی زندگی ساکنان مناطق را مورد توجه قرار داده‌اند (Blessi et al, 2012). در زمینه استفاده از روش سلسله‌مراتبی و اولویت‌دهی به مؤلفه‌های اثرگذار در تبیین محله فرهنگی براساس وزن هر یک از شاخص‌ها، مقاله کلانتری و بخشی (۱۳۹۴) تحت عنوان «ارزیابی راهکارهای احیا و باززنده‌سازی بافت قدیم شهر یزد با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی (مورد مطالعه: برزنجشش بادگیر)» نشان می‌دهد که اثر عامل عملکردی در احیا و باززنده‌سازی محدوده مورد مطالعه از بقیه عوامل بیشتر است و بعد از آن شاخص‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و رفت‌وآمد به ترتیب بر مبنای وزنشان تأثیرگذارند. همچنین در مقاله زبردست و همکاران کاربرد روش تحلیل عاملی در بافت‌های فرسوده (زبردست، خلیلی و دهقانی، ۱۳۹۲)، و در مقاله نادری و همکاران اولویت‌بندی مداخله در بافت‌های فرسوده شهری، با استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (نادری، موحد، فیروزی، حدیدی و ایصافی، ۱۳۹۳)، مورد مطالعه قرار گرفته است.

مبانی نظری تحقیق

• بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ؛ اقتصاد فرهنگی

بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، با طرح مفاهیم پایه‌ای و نوینی مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه اقتصادی و آنچه صنایع خلاق نامیده می‌شود، به این نکته اساسی اشاره دارد که می‌توان در بافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرایند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگ و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست (Songjie & Xinghua, 2011). از این منظر، فرهنگ محرکی است که سرمایه‌گذاران را به شهر

به‌عنوان ابزاری در دست مقامات برنامه‌ریزی شهری برای حمایت از توسعه مراکز شهری و احیای محله‌های روبه‌زوال عمل می‌کند. طبق نظر لندری، در واقع دیدگاه زیربنایی ایجاد محله‌های فرهنگی در رشد فزاینده اقتصاد شهری نه تنها به تولید فرهنگ، بلکه تا حد زیادی به مصرف آن نیز متکی است (Landry, 2008).

با توجه به مرور پیشینه موضوع و تجارب مرتبط با آن، شاخص‌های تبیین محله‌ای فرهنگی در جدول ۲ جمع‌آوری، تدقیق و تفکیک شده است.

روش تحقیق

در فرایند این پژوهش، در مرحله نخست، به منظور ارزیابی قابلیت محله تاریخی برای تبیین محله فرهنگی، به‌عنوان پرسش تحقیق ابتدا نظریه‌ها و متون و تجارب جهانی مرتبط (ن.ک. جدول ۱) برای شناخت ابعاد و مؤلفه‌های محله فرهنگی مورد بازخوانی قرار گرفت و به‌صورت شاخص‌های محله فرهنگی استخراج و تفکیک شد (ن.ک. جدول ۲)؛ سپس مدل مفهومی محله فرهنگی با انطباق

هدف اصلی در ایجاد محله‌های فرهنگی بهره‌برداری از تمام جنبه‌های زندگی شهری و فضای شهری به‌عنوان منبعی برای تغییر و تحول و تبدیل به ارزش اقتصادی است (Songjie & Xinghua, 2011). به‌طور خلاصه، محله‌های فرهنگی می‌توانند خلاقیت را به فرهنگ و فرهنگ را به کالا و خدمات اقتصادی باارزش تبدیل کنند (Won Bae, 2011).

محله‌های فرهنگی با فعالیت‌های ناشی از اشتراک فضای تولید و فضای مصرف فرهنگ، همچون مراکز اجتماعی، کافه‌ها، کلیساها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها و خیابان‌ها، رشد می‌کنند و می‌توانند در تجدید حیات شهری نقش مهمی ایفا کنند (Roodhouse, 2010). در جدول ۱ به برخی از تجارب جهانی در این زمینه اشاره می‌شود. اغلب محله‌های فرهنگی سنت‌های تولید و مصرف را ایجاد و ترغیب می‌کنند و بیشتر در مکان‌هایی با سطح بالایی از دسترسی، بودجه عمومی کافی، و محیط مناسب توسعه می‌یابند. طراحی محله‌های فرهنگی شبکه‌های ارتباطی بین برنامه‌ریزان در صنایع خلاق و بخش عمومی را انعکاس می‌دهند (Yusuf & Nabeshima, 2005). محله‌های فرهنگی

جدول ۱. نمونه تجارب جهانی. مأخذ: نگارندگان.

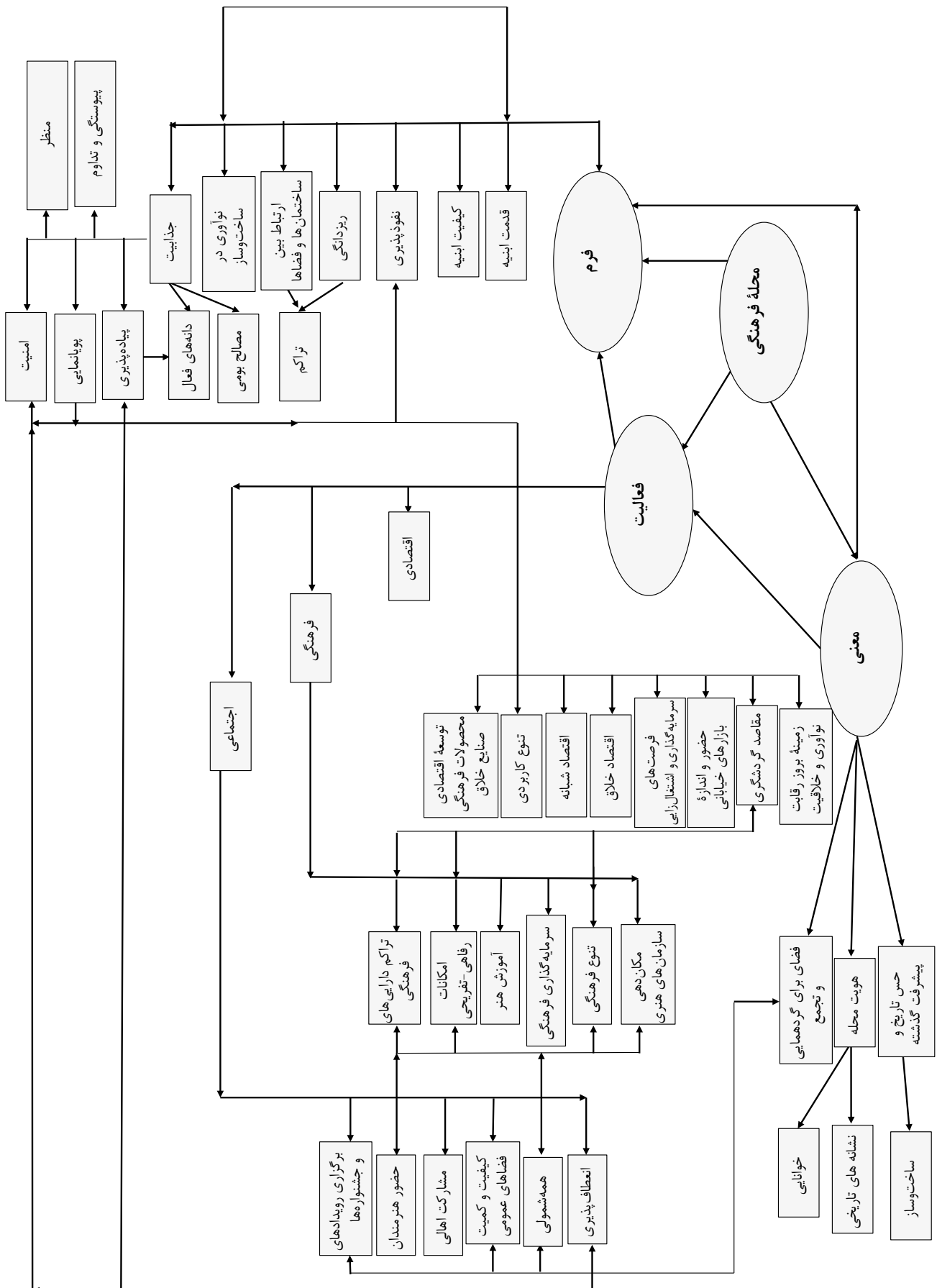
شهر	صنایع خلاق	اقتصاد فرهنگی	منبع
لندن	تئاتر، موسیقی، صنایع رسانه‌ای، صنعت نشر، صنعت فیلم و سینما، صنعت نرم‌افزار، صنعت موسیقی، صنعت ورزش، صنعت فستیوال، کارناوال و غیره	اقتصاد فرهنگ با درآمد ۴۰ میلیارد پوند در سال از اقتصاد بانکی پیشی گرفت.	Pratt (2010)
سنگاپور	تنوع قومی، طبقه خلاق، هنر، فن‌آوری، طراحی، رسانه و غیره	قطب گردشگری پزشکی	Yusuf & Nabeshima (2005)
سندای در اوساکای ژاپن	کشف و غنی‌سازی امور نهفته در فرهنگ «سنبأ» و کشف امکانات جدید برای استفاده از فضاهای شهری در شهر تاریخی با داشتن هنرمندان و برپایی کارگاه‌های آموزشی با مضمون «سنبأ»	آموزش موسیقی آسیایی قومی سنبأ پروژه‌ای متشکل از جمع‌آوری کودکان محلی و واداشتن آن‌ها به کشیدن نقاشی رنگی گول‌بیکری از نقشه «سنبأ» روی کاغذ سفید که در سراسر زمین گسترده شده است، به نام «یک نقشه از فردای سنبأ» یا اجرای پروژه‌ای که شرکت‌کنندگان در آن با ساخت فیلم‌های کوتاه و یک‌دقیقه‌ای از سنبأ، به نام «تصویر در سنبأ» فردای شهر تاریخی را به تصویر می‌کشند.	Koichi (2012)
بالتیمور (مریلند)	پیشینه تاریخی شهر، از جمله انجمن تاریخی بالتیمور، مؤسسه پی بادی، دانشگاه جان هاپکینز، موزه هنر والترز، کتابخانه خونخ پرات و کلیسای جامع	برنامه‌های فرهنگی، جشنواره‌ها و رویدادهای سالانه، نمایشگاه‌های هنرمندان و هنرمندان محلی محله فرهنگی "MVCD"	Ponzini, Gugu, & Oppio, (2014)
لوتزیا	میراث فرهنگی و هنری، موسیقی جاز و بلوز، برآمده از آمیزه سنت‌های موسیقایی آفریقایی‌های آمریکایی‌تبار، سنت شعرخوانی و داستان‌خوانی در قهوه‌خانه‌های نیواورلئان، مکان گردهمایی شاعران و داستان‌نویسان، ادبیات داستانی لوتزیا، صنعت تولید فیلم و سینما	اقتصاد فرهنگی	Grodach (2013)

است. بر این اساس، روش‌شناسی پژوهش حاضر مسیر و روش ساختاریافته و سیستماتیک انجام پژوهش را در قالب رویکرد روش‌شناسی آمیخته مشخص می‌سازد. پس از تعیین ارتباط هر مؤلفه با شاخص‌های مربوط به آن و تهیه مدل مفهومی تبیین محله فرهنگی (تصویر ۱)، و مشخص شدن متغیرهای پنهان و آشکار (جدول ۳، ۴ و ۵)،

هر یک از مؤلفه‌ها در سه بُعد فرم، عملکرد و معنی تدوین (روش کیفی) (تصویر ۱) و پس از آن، رابطه و تأثیر بین متغیرها در مدل مفهومی نمونه مورد مطالعه تبیین شد (روش کمی). در مطالعه نمونه موردی، براساس مشاهده و مصاحبه و همچنین تحلیل اسناد، بررسی‌های کیفی نیز صورت پذیرفته که در جمع‌بندی نهایی اعمال شده

جدول ۲. شاخص‌های محله فرهنگی. مأخذ: نگارندگان، با بهره‌گیری از متون پیشینه تحقیق.

مؤلفه	شاخص	صاحب‌نظران
کالبدی	کیفیت ابنیه	Moughtin (2003); Montgomery (2003)
	قدمت ابنیه	Montgomery (2003)
	مورفولوژی ریزدانی	Montgomery (2003)
	جذابیت‌های بصری	Montgomery (2003); Paumier (2004); Sacco et al (2013a)
	ساختمان‌های تاریخی	Richards & Wilson (2004); Evans (2009)
	معاپر	Tremblay, Klein & Bussi�eres (2010); Evans (2003); Paumier (2004)
	تراکم ساختمانی	Mongin (2005)
اقتصادی	نوسازی و طراحی شهری	Evans (2009); Ponzini (2011)
	صنایع خلاق رونق اقتصادی	Santagata (2002); Paumier (2004); Comedia (1991); Montgomery (2003); Gehl (2011); CMS (2004); Van der Duim (2007); Evans (2003); Bianchini & Parkinson (1993)
اجتماعی - فرهنگی	الگوی مالکیت زمین	Bianchini & Parkinson (1993); Grodach (2009)
	اختلاط کاربری‌ها	Moughtin (2003); Evans (2003); Paumier (2004)
	اجتماع‌پذیری	Ponzini (2011); Carmona & Burgess (2001)
	امنیت، فضاهاى عمومى سواد و مشارکت ساکنان	Montgomery (2003); Moughtin (2003); Evans (2009)
ادراکى - معنایى	حضور فعالیت‌های فرهنگی	Comedia (1991); Grodach (2013); Markusen & Gadwa (2010); Santagata (2002); Ponzini, Gugu & Oppio (2014); (۱۳۸۸) اک و هیث
	دارایی‌های فرهنگی	Montgomery (2003); Songjie & Xinghua (2011); Grodach (2009); Comedia (1991); Frost-Kumpf (1998); Couch (2004); Sacco et al. (2013a)
عملکردی	افزایش تعامل، حیات مدنى	Samadhi (2001); Markusen & Gadwa (2010); Van der Duim (2007); Sacco et al. (2013b); Currid (2010); Dikmen (2008)
	کیفیت زندگی، سرزندگى	Montgomery (2003); Richards & Wilson (2004); Lynch (2001); Montgomery (2003); Evans (2003); Bayliss (2004)
عملکردی	تصویر محله، حس تاریخ، هویت، خوانایی، حافظه جمعی و حس تعلق	
	آسودگى حرکت کارایی رفتارهای گزینشی مردم انعطاف‌پذیری در عملکرد	Roberts (2000); Carmona & Burgess (2001); Evans (2009) Grodach (2009); Comedia (1991); Frost-Kumpf (1998)



تصویر ۱. مدل مفهومی تبیین محله فرهنگی. مأخذ: نگارندگان، با بهره‌گیری از متون پیشینه تحقیق.

جدول ۳. شناسایی میزان همبستگی بین متغیرها در بُعد فرم. مأخذ: نگارندگان.

متغیرهای مشاهده شده برگرفته از مدل مفهومی	ضرب تأثیر (مستخرج از نرم افزار لیزرل)	مؤلفه قابل مشاهده	ضرب تأثیر	مؤلفه قابل مشاهده مرتبه اول / متغیر پنهان مرتبه دوم	مؤلفه پنهان
- استحکام و کیفیت ابنیه تاریخی - قدمت ابنیه - مورفولوژی ریزدانی - تراکم ساختمانی (ارتفاع ابنیه) - استحکام و کیفیت ابنیه تاریخی	۰,۲۵	وضعیت کالبدی X۱			
- کیفیت ساخت و ساز جدید (زمینه‌گرایی) - میزان باززنده‌سازی ابنیه تاریخی	۰,۳۵	بهسازی و نوسازی X۲			
- پیوستگی و تداوم در نما (تناسبات، مصالح بومی) - دعوت‌کنندگی (جداره‌های شفاف) کیفیت فضاهای هم‌سطح لبه‌ها و گره‌ها - پیوستگی و تداوم در نما (تناسبات، مصالح بومی)	۰,۷۰	جذابیت بصری X۳	۰,۷۹	فرم	محله فرهنگی تاریخی
- کیفیت مبلمان شهری، فضای سبز - نفوذپذیری معابر - قرارگاه امن پیاده - اهمیت اقتصادی پیاده‌راه‌ها (حضور دانه‌های افقی فعال در لبه‌ها) - تسهیلات آلوده‌شود خودرو و خدمات وابسته به آن	۰,۹۲	پیاده‌پذیری X۴			

شد (ن.ک. تصویر ۱). سپس، با مشخص شدن متغیرهای پنهان، سنجها یا متغیرهای قابل مشاهده براساس ادبیات موضوع انتخاب و به کمک تعریف مفهومی و عملیاتی به متغیرهای پنهان متصل و در آخر با استفاده از مدل معادلات ساختاری آزموده شدند.

نمونه مطالعاتی: لاله‌زار

پس از تدوین مدل مفهومی محله فرهنگی این امکان وجود داشت که نمونه مطالعاتی از طیف گسترده‌ای از بافت‌های تاریخی و شرایط متفاوت انتخاب شود، ولی از آنجا که لاله‌زار تهران با توجه به حضور بزرگ‌ترین سینماهای پایتخت و تماشاخانه‌های معتبری چون نصر و پارس پیشینه قوی فرهنگی دارد و خود در گذشته به نوعی محله‌ای فرهنگی محسوب می‌شده که اوقات فراغت اهالی شهر در آن می‌گذشته و هنوز تصویر و بار معنایی آن باقی مانده است، و همچنین از آنجا که ویژگی‌های بالقوه و بالفعل این محله (فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی)، از جمله تأسیس

براساس هر متغیر آشکار در حوزه‌هایی که امکان مشاهده مستقیم نبود، سؤال یا مجموعه سؤالاتی در پرسش‌نامه تعریف و طراحی و در جامعه آماری کارشناسان و خبرگان حوزه شهرسازی توزیع شد.

جامعه آماری به ازای هر متغیر پنهان برابر با ۲۰ عدد (زبردست و همکاران، ۱۳۹۲) و در نهایت با توجه به تعداد متغیرها برابر با ۸۰ نفر تعیین و برای اطمینان تعداد ۱۰۰ عدد پرسش‌نامه توزیع شد. برای محاسبه پایایی سنجها از «الفای کرونباخ» و «برازش مدل» استفاده شد و با توجه به یافته‌ها و دامنه قابل پذیرش، پایایی پرسش‌نامه و مدل مورد آزمون قرار گرفت. براساس میانگین مجموع پاسخ‌دهندگان، مدل معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزاری «لیزرل» ترسیم و روابط علی و میزان اثرگذاری متغیرها بر همدیگر و در نهایت میزان قدرت تبیین‌کنندگی محله فرهنگی در نمونه لاله‌زار استنتاج شد. در الگو یا مدل مفهومی تبیین محله فرهنگی، ابتدا نمودار تحلیل مسیر بین مؤلفه‌ها ترسیم و روابط علی بین متغیرها نشان داده

جدول ۴. شناسایی میزان همبستگی بین متغیرها در بُعد عملکرد. مأخذ: نگارندگان.

متغیرهای مشاهده شده برگرفته از مدل مفهومی	ضریب تأثیر (مستخرج از نرم افزار لیزرل)	مؤلفه قابل مشاهده	ضریب تأثیر	مؤلفه قابل مشاهده مرتبه اول / متغیر پنهان مرتبه دوم	مؤلفه پنهان
- در دسترس بودن فضاهای کاری کم هزینه برای هنرمندان و مولدین فرهنگی - میزان فرصت‌های حضور دفاتر اقتصادی سازمان‌ها و شرکت‌های توسعه هنر - جذابیت‌های اقتصادی و بروز رقابت - رونق اقتصادی نسبت به کاربری کنونی - میزان فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی در مقیاس کوچک - میزان موقعیت‌های بهره‌گیری از تولید و مصرف هنر (فیلم و سینما). - میزان فضای کاری برای کاربران اداری به منظور ایجاد و افزایش بهره‌وری و اشتغال	۰,۸۰	مکان استقرار و توسعه صنایع خلاق X۵			
- استفاده اقتصادی از هویت تاریخی - فرصت برای صنایع کوچک فرهنگی - فرصت جذب نیروی ماهر و خلاق - میزان دارایی‌های فرهنگی و بهره‌گیری	۰,۷۱	محرک‌های اقتصاد خلاق X۶			
- وجود کاربری‌های متنوع و کافی - انعطاف‌پذیری در عملکرد - فرصت برگزاری رویدادهای هنری، جذب هنرمندان، خدمات عمومی، فرصت خلاقیت در احیای عملکرد، فرصت قدم‌زدن و هواخوری، مکث، احساس امنیت	۰,۲۵	جذابیت و پویایی محله X۷	۱,۰۶	عملکرد	محله فرهنگی تاریخی
- میزان نظارت و دخالت ساکنین - مشارکت و حضور در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی - میزان همه‌شمولی اجتماعی - میزان استقبال از مراکز فرهنگی	۰,۸۳	منزلت اجتماعی ساکنین در محله X۸			
- وسعت و تنوع فضاهای فرهنگی هنری - وجود مقاصد گردشگری - فرصت بازارهای خیابانی، کافه پیاده‌رو - تمایل به سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ، توسعه منابع و سرمایه انسانی	۰,۸۸	تقویت حیات مدنی X۹			

یافته‌های تحقیق

• مدل اندازه‌گیری چهارعاملی مرتبه دوم محله فرهنگی مدل عاملی مرتبه دوم را به عنوان نوعی از مدل‌های عاملی تعریف می‌کنیم که در آن‌ها متغیرهای پنهانی^۵ که با استفاده از متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری می‌شوند، خود تحت تأثیر متغیری زیربنایی‌تر، و به عبارتی متغیری پنهان، اما در یک سطح بالاتر قرار دارند (زبردست و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش، مؤلفه‌های سه‌گانه فرم، عملکرد و معنی،

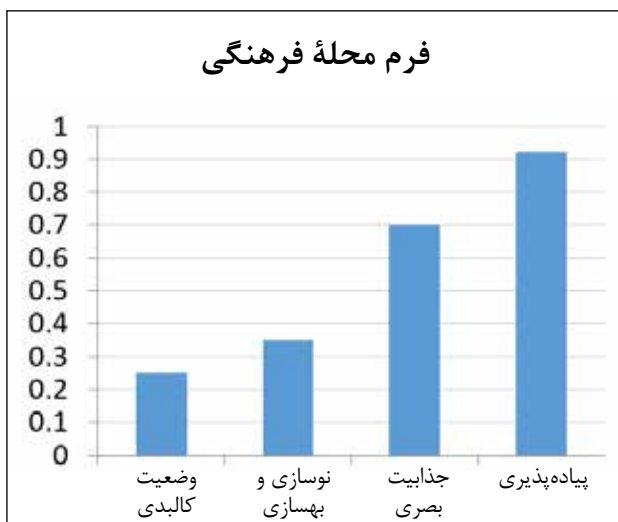
اولین نهادهای شهری اروپایی مانند هتل‌ها، دفاتر روزنامه‌ها و مراکز تفریحی در این خیابان، برای مطالعات مبانی نظری و چارچوب مفهومی قابل تأمل‌اند و در مجموع می‌توانند برای تبیین چارچوب تحلیلی و مدل مفهومی پژوهش مورد آزمون قرار گیرند، «لاله‌زار کهنه و نو» به عنوان نمونه موردی انتخاب و نهایتاً، در نتیجه پژوهش، مدل محله فرهنگی سینمایی لاله‌زار با توجه به اولویت اقدامات به عنوان مدل نمونه تبیین شد.

در مدل تبیین محله فرهنگی، با توجه به خروجی نرم افزار در بعد فرم، بالاترین همبستگی در متغیر مشاهده شده «پیاپاده پذیری» گزارش شد. پس از آن نیز «جذابیت بصری» بیشترین امتیاز را در تبیین محله فرهنگی داراست (ن.ک. جدول ۳). طبق یافته‌ها رابطه بین «وضعیت کالبدی» با فرم محله فرهنگی بسیار ضعیف است، ولی «پیاپاده‌پذیری» و «جذابیت بصری» با فرم رابطه‌ای قوی دارند (تصویر ۳). برای بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t-value که به آن

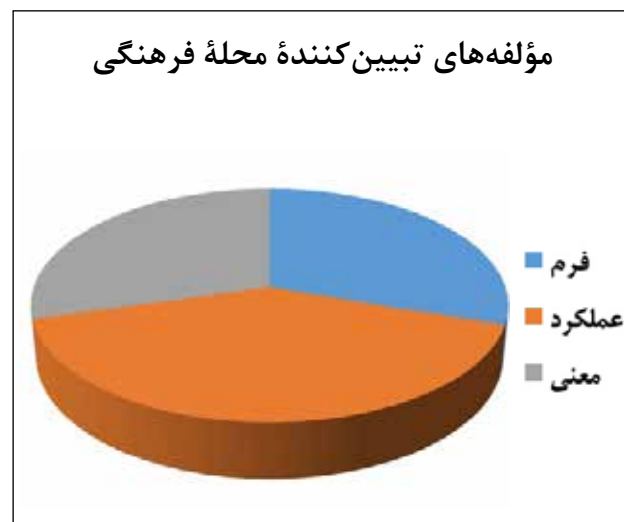
متغیرهای پنهانی هستند که توسط ۴۸ شاخص محله فرهنگی (استخراج شده از پیشینه موضوع) (ن.ک. جدول ۲ و تصویر ۱) استخراج و با روش تحلیل عاملی توسط ۱۳ متغیر آشکار (۱۳-۱x) مؤلفه‌های قابل مشاهده اندازه‌گیری شده‌اند، در حالی که خود تحت تأثیر متغیر پنهان محله فرهنگی در سطحی بالاتر قرار دارند. قابل ذکر است، پس از تأیید مدل تحلیل مسیر رابطه بین فرم و عملکرد و معنا، مدل ساختاری تبیین محله فرهنگی برای میزان تأثیر شاخص‌ها ترسیم و مورد آزمون قرار گرفته است (تصویر ۲).

جدول ۵. شناسایی میزان همبستگی بین متغیرها در بُعد معنی. مأخذ: نگارندگان.

متغیرهای مشاهده شده برگرفته از مدل مفهومی	ضریب تأثیر (مستخرج از نرم‌افزار لیزرل)	مؤلفه قابل مشاهده	ضریب تأثیر	مؤلفه قابل مشاهده مرتبه اول / متغیر پنهان مرتبه دوم	مؤلفه پنهان
عناصر برجسته محتوای تصورات ذهنی	۰,۳۱	تصویر ذهنی X۱۰			
- تمایل مردم در احیای کاربری‌های گذشته - تمایل به حفظ عناصر و نشانه‌های تاریخی و میراث معماری محله - مکان تفریح و سرگرمی به‌ویژه تماشای فیلم و تئاتر - قابلیت احیای کاربری‌های گذشته، متناسب با نیازهای کنونی - قابلیت ایجاد مجدد نماد نوگرایی در محله - تمایل به حفظ عناصر و نشانه‌های تاریخی و میراث معماری محله - قابلیت احیای سالن‌های سینما تئاتر و کاربری‌های فرهنگی محله - قابلیت احیای مجدد کالبد تاریخی و فعالیت مجدد آن - قابلیت ایجاد پیاده‌راه و فضاهایی برای رویدادهای فرهنگی و هنری مانند فیلم فجر	۰,۶۰	خاطره‌انگیزی و حافظه شهری X۱۱	۰,۷۷	معنی	محله فرهنگی تاریخی
میزان تشخیص فضایی، راه‌یابی و انتخاب، حد و پیوستگی محله	۰,۵۳	خوانایی X۱۲			
رجحان و دل‌بستگی ساکنین به محله	۰,۷۲	حس تعلق X۱۳			



تصویر ۳. همبستگی فرم با سنج‌های تعریف شده در محله فرهنگی. مأخذ: نگارندگان.



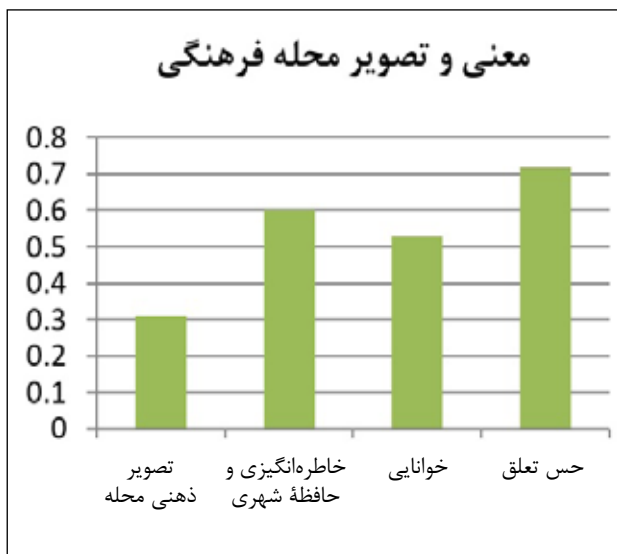
تصویر ۲. همبستگی محله فرهنگی با عوامل تبیین کننده. مأخذ: نگارندگان.

متغیر «تصویر ذهنی محله» نیز کمترین همبستگی را با مؤلفه معنی برقرار می‌کند (ن.ک. جدول ۵ و تصویر ۵).

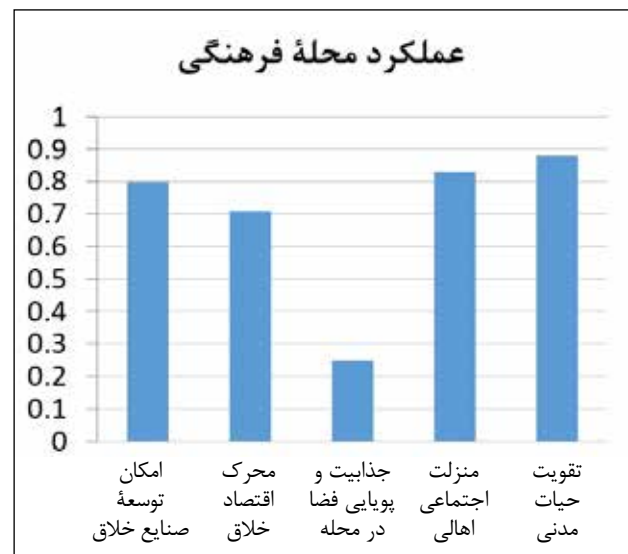
نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال پژوهش، یعنی ارزیابی قابلیت‌های محله تاریخی و اولویت‌بندی اقدامات در تبیین محله فرهنگی تاریخی برای حضور در عرصه صنایع خلاق با توجه به نتایج مدل مفهومی محله فرهنگی و مؤلفه‌های سه‌گانه آن، شاخص «عملکرد» بیشترین تأثیر را در تبیین محله فرهنگی داشت. پس از آن بیشترین متغیری که به تبیین متغیر پنهان محله فرهنگی می‌پرداخت «فرم» بود، و کمترین میزان همبستگی به متغیر «معنی» اختصاص یافت. به عبارت دیگر، متغیر «عملکرد» بیشترین و متغیر «معنی و تصویر ذهنی» کمترین قدرت تبیین‌کنندگی را در محله فرهنگی مورد مطالعه دارند (ن.ک. تصویر ۲). لذا برنامه‌ریزی برای تقویت بُعد عملکرد محله مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدام در تبیین محله فرهنگی است. همچنین، با توجه به اولویت اقدامات و میزان تأثیر و اهمیت شاخص‌ها در هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه «فرم، فعالیت و معنی» با نظر به نتایج مدل در میان متغیرهای قابل مشاهده مؤلفه‌های تبیین‌کننده محله فرهنگی لاله‌زار، اقدامات در راستای «تقویت حیات مدنی» و «منزلت اجتماعی» اهالی بیشترین تأثیر را دارند؛ و این اقدامات، با اتکا به پیشینه موضوع محله‌های فرهنگی و شاخص‌های استخراج‌شده مؤثر بر محله فرهنگی، از طریق پیش‌بینی مقاصد گردشگری، فرصت بازارهای خیابانی، کافه، پیاده‌رو، افزایش وسعت و تنوع فضاهای فرهنگی هنری، افزایش

سطح بحرانی می‌گویند، استفاده شده است. از آنجا که معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود، بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده‌شده با آزمون t-value از ۱/۹۶ کوچک‌تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست و در نرم‌افزار لیزرل با رنگ قرمز نمایش داده می‌شود. بنابراین متغیر آشکار فرم به‌خوبی با متغیرهای قابل مشاهده خود تحت عنوان وضعیت کالبدی، بهسازی و نوسازی، جذابیت بصری و پیاده‌پذیری تبیین شد. درواقع، نسبت بحرانی بالای این متغیر نسبت به سایر متغیرها و سطح معناداری آن نشان می‌دهد که بخش قابل ملاحظه‌ای از متغیر پنهان فرم محله فرهنگی را شاخص «پیاده‌پذیری» تبیین کرده است (ن.ک. جدول ۳). در مدل تبیین محله فرهنگی، در بعد «عملکرد»، که به‌عنوان متغیر پنهان اول در نظر گرفته می‌شود، بیشترین مقدار بار عاملی و بالاترین همبستگی را متغیر مشاهده‌شده «تقویت حیات مدنی» و همچنین بالاترین نسبت بحرانی نسبت به سایر متغیرها و پس از آن را «منزلت اجتماعی اهالی» داشتند که توانستند متغیر عملکرد محله فرهنگی را به‌خوبی تبیین کنند؛ و همین‌طور «جذابیت و پویایی فضا در محله» کمترین میزان تبیین‌کنندگی را داشت و رابطه ضعیفی با آن برقرار می‌کرد (ن.ک. جدول ۴ و تصویر ۴). در بعد سوم تبیین محله فرهنگی، «معنی» به‌عنوان متغیر پنهان با چهار متغیر آشکار «تصویر ذهنی»، «خاطره‌انگیزی و حافظه شهری»، «خوانایی» و «حس تعلق» مواجه است. بنا بر نتایج مدل، متغیر «حس تعلق» نسبت به سایر متغیرها بیشترین همبستگی را با متغیر پنهان «معنی» دارد و می‌تواند این متغیر را به‌خوبی تبیین کند، همچنین



تصویر ۵. همبستگی معنی با سنجه‌های تعریف‌شده. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. همبستگی عملکرد با سنجه‌های تعریف‌شده. مأخذ: نگارندگان.

را داشته‌اند. این‌ها را می‌توان از طریق احیای کاربری‌های گذشته متناسب با نیازهای کنونی، احیای سالن‌های سینما و تئاتر و کاربری‌های مکمل، حفظ عناصر و نشانه‌های تاریخی و میراث معماری محله، ایجاد پیاده‌راه‌ها و فضاهایی برای رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی و هنری مانند فیلم فجر تقویت کرد. در نمونه مورد مطالعه لاله‌زار، گذشته آن، به‌عنوان کانون گذران اوقات فراغت و تفریح و سرگرمی، حس تعلق و دل‌بستگی را فراهم می‌کرد، که این البته در زمان حال و با وجود نابودی عملکرد و تخریب بیشتر فضاها و کالبد محله هنوز هم باقی است و با نام لاله‌زار حتی برای نسل‌های جوان نیز عملکرد گذشته آن تداعی می‌شود و این پتانسیلی است که در تبیین محله فرهنگی برگرفته از مدل‌های طراحی شده تأثیر عمده‌ای دارد. بدیهی است این مدل می‌تواند در محله‌های دیگر مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد و در راستای تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد هر محله بازبینی شود (تصویر ۷).

پی‌نوشت‌ها

۱. Cultural led Regeneration

۲. Cultural Quarters

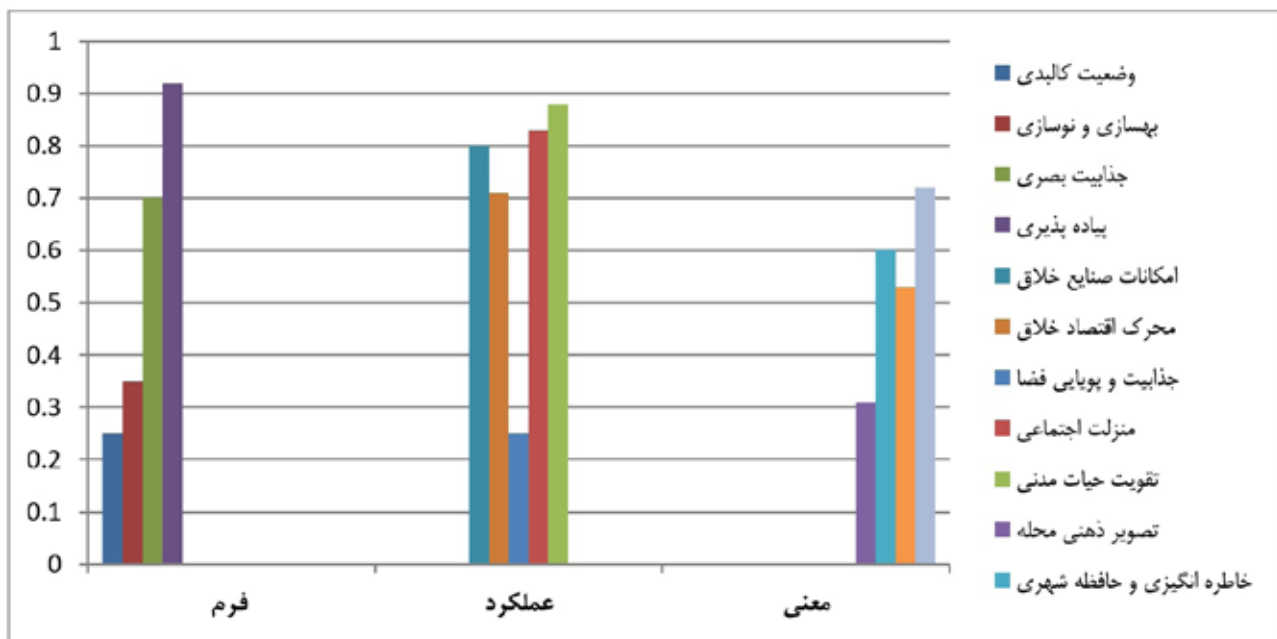
۳. Sanba ethnic Asian music education

۴. Mount Vernon Cultural District in Baltimore

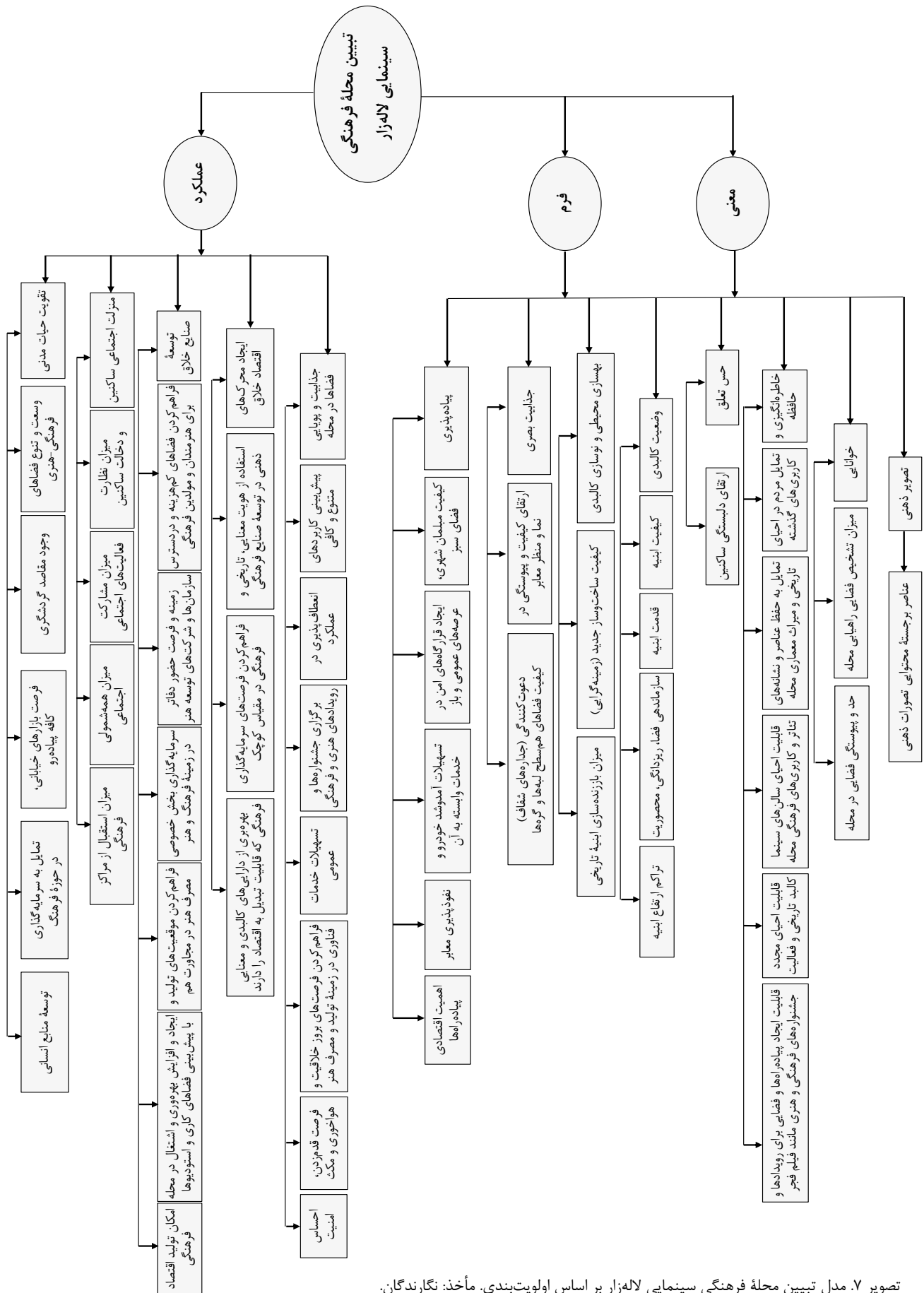
۵. علت اینکه به این نوع از متغیرها «پنهان» می‌گویند آن است که این متغیرها از یک پرسش ساده به دست نمی‌آیند، و دارای ابعاد چندگانه‌ای هستند که این عامل باعث می‌شود برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از متغیرهای معرف آن‌ها (متغیر آشکار) که در خصوصشان امکان جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از سطح جامعه وجود دارد، استفاده کنیم.

۶. برگرفته از خروجی نرم‌افزار لیزرل

تمایل به سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و توسعه منابع و سرمایه انسانی می‌توانند تقویت شوند. پس از آن، فراهم کردن شرایط «توسعه صنایع خلاق»، با در نظر گرفتن فضاهای کاری کم‌هزینه و در دسترس برای هنرمندان و متولیان هنر و فرهنگ، پیش‌بینی حضور دفاتر اقتصادی سازمان‌ها و شرکت‌های توسعه هنر، جلب سرمایه‌گذار خصوصی و شرکت‌های تخصصی سینما و صنایع وابسته به آن، فراهم کردن موقعیت‌های تولید و مصرف هنر در کنار هم، امکان تولید اقتصاد فرهنگی و جذابیت‌های اقتصادی و بروز رقابت و فضای کم‌هزینه، ایجاد و افزایش بهره‌وری و اشتغال در محله با پیش‌بینی فضاهای کاری و استودیو برای کاربران اداری می‌تواند بیشترین تأثیر را در تبیین محله فرهنگی لاله‌زار داشته باشد. پس از اقدامات عملکردی، فرم محله تاریخی (ن.ک. تصویر ۲) بیشترین تأثیر را در تبیین محله فرهنگی داراست، که با توجه به یافته‌های تحقیق (ن.ک. تصویر ۳) شاخص «پیاده‌پذیری» در مؤلفه فرم بالاترین وابستگی را دارد و می‌تواند با اقداماتی برای ارتقای کیفیت مبلمان شهری و فضای سبز، نفوذپذیری معابر، افزایش اهمیت اقتصادی پیاده‌راه‌ها، با حضور دانه‌های افقی فعال در لبه‌ها، و پیش‌بینی تسهیلات آلوده‌شود خودرو و خدمات وابسته، تقویت شود و میزان قابلیت تبیین‌کنندگی محله فرهنگی لاله‌زار را افزایش دهد. و نهایتاً اقداماتی برای تقویت بعد معنایی لاله‌زار؛ با توجه به یافته‌های تحقیق (تصویر ۴)، تقویت «حس تعلق» و شاخص «خاطره‌انگیزی و حافظه شهری» در مؤلفه معنا بالاترین تأثیر در تبیین



تصویر ۶. عوامل مؤثر در تبیین محله فرهنگی در لاله‌زار. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. مدل تبیین محله فرهنگی سینمایی لاله‌زار بر اساس اولویت‌بندی. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- The Contribution of Culture to Regeneration in The UK*. London: London Metropolitan University.
- Dikmen, B. (2008). The politics of urban waterfront regeneration: The case of Haliç (the Golden Horn), Istanbul. *Urban and Regional Research*, 32(4), 815–840.
 - Evans, G. (2003). Hard branding the culture city: from Prado to Prada. *Urban and Regional Research*, 27(2), 417–440.
 - Evans, G. (2009). Creative cities, creative spaces and urban policy. *Urban Studies*, 46(5-6), 1003–1040.
 - Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure and Everyday Life*. New York: NY Basic Books.
 - Frost-Kumpf, H. A. (1998). *Cultural Districts: The Arts as a Strategy for Revitalizing our Cities*. Washington D.C.: Americans for the Arts.
 - Galligan, A. (2008). The evolution of arts and cultural districts. In J. Cherbo, R. A. Stewart, & M. J. Wyszomirski (Eds.), *Understanding the arts and creative sector in the United States*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
 - Garcia, B. (2004). Cultural policy and urban regeneration in western European cities: Lessons from experience, prospects for the future. *Local Economy*, 19(4), 312–326.
 - Gehl, J. (2011). *Life between Buildings: Using Public Space* (J. Koch, Trans.). Washington, Covelo, London: Island Press.
 - Ghafele, R. & Santagata, W. (2006). *Cultural tourism and collective trademarks: The case of Byblos and Saida, Lebanon*. EBLA Working Paper, International Centre for Research on the Economics of Culture, Institutions, and Creativity, University of Turin.
 - Grodach, C. (2009). Urban branding: an analysis of city homepage imagery. *Architectural and Planning Research*, 26(3), 181-197.
 - Grodach, C. (2013). Cultural economy planning in creative cities: Discourse and practice. *Urban and Regional Research*, 37(5), 1747–1765.
 - Harvey, D. (2005). *A Brief History of Neoliberalism*. London: Oxford University Press.
 - Koichi, K. (2012). An experiment in urban regeneration using culture and art in Senba, Osaka's historic urban center, with a focus on the regeneration of urban space. *City, Culture and Society*, 3(2), 151-163.
 - Landry, Ch. (2008). *The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators*. London: Earthscan.
 - Lynch, K. (2001). *City Sense and City Design*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - Markusen, A. & Gadwa, A. (2010). Arts and culture in urban or regional planning: A review and research agenda. *Journal of*
 - تیزدل، استیون؛ اک، تنر و هیث، تیم. (۱۳۸۸). *احیای محله‌های تاریخی شهر (ترجمهٔ سمانه ساریخانی)*. شیراز: نوید شیراز.
 - رفیعیان، محسن؛ بمانیان، محمدرضا و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۰). گردشگری شهری به‌مثابهٔ راهبرد توسعهٔ خلاق در بافت‌های فرسوده. *منظر*، ۳(۱۴)، ۷۴-۷۹.
 - زبردست، اسفندیار؛ خلیلی، احمد و دهقانی، مصطفی. (۱۳۹۲). کاربرد روش تحلیل عاملی در شناسایی بافت‌های فرسودهٔ شهری. *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۱۸(۲)، ۲۷-۴۲.
 - صحراییان، زهرا و موحد، علی. (۱۳۹۶). تحلیل و شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعهٔ خلاق بافت‌های فرسوده با تأکید بر گردشگری (مطالعه موردی: محلهٔ فهادان شهر یزد). *آمایش جغرافیایی فضا*، ۷(۲۶)، ۳۱-۴۷.
 - کلانتری، محسن و بخشی، ابودر. (۱۳۹۴). ارزیابی راهکارهای احیا و بازنده‌سازی بافت قدیم شهر یزد با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) مورد مطالعه: برزن شش بادگیر. *آمایش محیط*، ۸(۳۱)، ۱-۲۸.
 - لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ‌مینا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۳(۴۵)، ۴۹-۶۲.
 - نادری، کاوه؛ موحد، علی؛ فیروزی، محمدعلی؛ حدیدی، مسلم و ایصافی، ایوب. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی مداخلهٔ بافت فرسودهٔ شهری با استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی فازی؛ (FAHP) (محدودهٔ مرکزی شهر سقز). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸(۱)، ۱۵۳-۱۸۰.
 - Bayliss, D. (2004). Denmark's creative potential: the role of culture within Danish urban development strategies. *Cultural Policy, Urban Space and Uses of Culture*, 10(1), 5–28.
 - Bianchini, F. & Parkinson, M. (1993). *Cultural Policy and Urban Regeneration: The West European Experience*. Manchester and New York: Manchester University Press.
 - Blessi, G. T., Tremblay, D. G., Sandri, M. & Pilati, T. (2012). New trajectories in urban regeneration processes: Cultural capital as source of human and social capital accumulation; Evidence from the case of Tohu in Montreal. *Cities*, 29(6), 397-407.
 - Carmona, M. & Burgess, R. (2001). *Strategic Planning and Urban Projects: Responses to Globalization from 15 Cities*. Delft: DUP Science, Delft University Press.
 - Comedia. (1991). *Out of Hours: A Study of Economic, Social and Cultural Life in Twelve Town Centers in the UK*. London: Comedia Publishing Group.
 - Couch, C. (2004). *City of Change and Challenge: Urban planning and Regeneration in Liverpool*. Aldershot: Ashgate Publishing.
 - Currid, E. (2010). Symposium introduction – Art and economic development: New direction for the growth of cities and regions. *Journal of Planning Education and Research*, 29(3), 257–261.
 - DCMS (Department for Culture Media and Sport). (2004).

Planning Education and Research, 29(3), 379-391.

- Mongin, O. (2005). *La Condition Urbaine: La Ville à l'Heure de la Mondialisation*. Paris: Seuil.
- Montgomery, J. (2003). Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualising cultural quarters. *Planning, Practice & Research*, 18(4), 293-306.
- Moughtin, J. C. (2003). *Urban Design: Street and Square. 3rd edition*. Amsterdam: Architectural Press.
- Paumier, C. (2004). *Creating a Vibrant City Center: Urban Design and Regeneration Principles*. Michigan: Urban Land Institute.
- Ponzini, D. (2011). Large scale development projects and star architecture in the absence of democratic politics: The case of Abu Dhabi, UAE. *Cities*, 28(3), 251-259.
- Ponzini, D., Gugu, S. & Oppio, A. (2014). Is the concept of the cultural district appropriate for both analysis and policymaking? Two cases in Northern Italy. *City, Culture and Society*, 5(2), 75-85.
- Pratt, A. C. (2010). Creative cities: Tensions within and between social, cultural and economic development. A critical reading of the UK experience. *City, Culture and Society*, 1(1), 13-20.
- Richards, G. & Wilson, J. C. (2004). The impact of cultural events on city image: Rotterdam cultural capital of Europe 2001. *Urban Studies*, 41(10), 1931-1951.
- Roberts, P. (2000). The evolution, definition and purpose of urban regeneration. In P. Roberts & H. Roberts (Eds.), *Urban Regeneration: A Handbook*. pp. 9-36. London: Sage.
- Roberts, P. & Sykes, H. (Eds.) (2005). *Urban Regeneration: A Handbook*. London: Sage.
- Roodhouse, S. (2010). *Cultural Quarters: Principles and Practice*. Chicago: Chicago Press.
- Samadhi, T. N. (2001). The urban design of a Balinese town: place making issues in the Balinese urban setting. *Habitat International*, 25(4), 559-575.
- Sacco, P. L., Frilli, G., Blessi, G. T. & Nuccio, M. (2013a). Culture as an engine of local development processes: System-wide cultural districts I: Theory. *Growth and Change*, 44(4), 555-570.
- Sacco, P. L., Frilli, G., Blessi, G. T. & Nuccio, M. (2013b). Culture as an engine of local development processes: System-wide cultural districts II: Prototype cases. *Growth and Change*, 44(4), 571-588.
- Santagata, W. (2002). Cultural districts, property rights and sustainable economic growth. *Urban and Regional Research*, 26(1), 116-125.
- Songjie, L. & Xinghua, L. (2011). The role of cultural creative industry in the process of the city development: The case of Jingdezhen. *Studies in Sociology of Science*, 2(2), 74-78.
- Tremblay, D. G., Klein, J. L. & Bussièrès, D. R. (2010). Social economy-based local initiatives and social innovation: a Montreal case study. *Technology Management and Business*, 51(1), 275-287.
- Van der Duim, R. (2007). Tourism, materiality and space. In I. Ateljevic, A. Pritchard & N. Morgan (Eds.), *The Critical Turn in Tourism Studies: Innovative Research Methodologies*. Amsterdam: Elsevier.
- Won Bae, K. (2011). The viability of cultural districts in Seoul. *City, Culture and Society*, 2(3), 141-150.
- Yusuf, S. & Nabeshima, K. (2005). Creative industries in East Asia. *Cities*, 22(2), 109-122.
- Zukin, S. (1998). Urban lifestyles: diversity and standardisation in spaces of consumption. *Urban Studies*, 35(5-6), 825-839.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

خان محمدی، مرجان؛ قلعه نوئی، محمود و ایزدی، محمدسعید. (۱۳۹۹). تبیین مدل محله فرهنگی در بافت‌های تاریخی برای توسعه اقتصاد و حضور صنایع خلاق (مورد پژوهشی: خیابان لاله‌زار، تهران). *باغ نظر*, ۱۷(۸۷), ۵-۱۸.

DOI: 10.22034/bagh.2020.182569.4077

URL: http://www.bagh-sj.com/article_107801.html

